



مشارکت

نیروی کار زنان

در مناطق

شهری و روستایی چین

ترجمه: حمید عباداللهی

□ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

قسمت دوم و پایانی

● فرضیات

ادبیات در باب مشارکت نیروی کار زنان از یک طرف، و تحقیقات در مورد جامعه چین از سوی دیگر، ما را به یک سری بشرنگرهای نظری سوق داده است. به طور کلی، ما انتظار داریم که ساخت صنعتی مناطق مشخص، باروری و شکل سازمان خانواده، بر میزان مشارکت تأثیر گذارد. اولاً، ما انتظار داریم که مشارکت با سطح صنعتی شدن، شهرنشینی، و توسعه اقتصادی افزایش یابد. ولی بوسروب (۱۹۷۰) معتقد است: در جوامع در حال توسعه و در جوامع کشاورزی اولیه، فرصتهای اشتغال برای زنان، بیش از همه در بخش کشاورزی وجود دارد. یعنی بخشی که در آن، اغلب زن جایگزین مرد می‌شود. بنابراین، ما انتظار داریم که نه تنها ظهور خدمات، بلکه بیش از همه، وجود اشتغال کشاورزی، مشارکت در چین را تحت تأثیر خودشان قرار دهند.

به نظر می‌رسد، ترکیب اجتماعی مناطق، به طرق مختلفی، بر مشارکت تأثیر می‌گذارد. مشارکت نیروی کار زنان در مناطقی که سطح آموزش در آنها بالا می‌باشد، افزایش می‌یابد. پس می‌توانیم انتظار داشته باشیم که در

نسبتهای جنسی بر سطح مشارکت نیروی کار زنان چه خواهد بود، مشکل است. اگر عوامل ایدئولوژیک ذکر شده در بالا قوی تر باشند، ما بیس‌بینی می‌کنیم که موجودیت نسبی کارگران مرد، همان طوری که نسبت جنسی نشان می‌دهد، بر مشارکت زنان تأثیر کمی خواهد گذاشت. ولی اگر ضرورت‌های اقتصادی و نقض‌های نیروی کار، نقش مسلط را ایفا کنند، بیس‌بینی می‌کنیم که رابطه‌ای منفی ما بین نسبت جنسی و مشارکت زنان وجود خواهد داشت؛ یعنی زنان بیشتر در مناطقی که در آنها نسبت جنسی پایین است کار می‌کنند (مانند پاسخی به کمبود مزمین نیروی کار مردان).

به علاوه، انتظار داریم که سازمان اجتماعی خانواده، نقش اصلی در تعیین میزان مشارکت نیروی کار زنان ایفا نماید. در مناطقی که سازمان خانواده کمتر سنتی است، یعنی مناطقی با نسبت زیاد خانوارهای زن مدار، زنان بیشتر به جرگه نیروی کار فعال به اجزای اقتصادی وارد می‌شوند. در حالی که در

ادبیات موجود، بیس‌بینی مشابهی درباره مناطق با میزان باروری پایین، ارائه شده است. ولی، به دلایلی، چنین بیس‌بینی در مورد چین، محتاطانه‌تر است. باروری و کنترل نتایج آن، در چین، اهمیت ایدئولوژیک عمده‌ای دارد. در اینجا نتایج تحلیل ما، باز هم جگونگی برهم خوردن تعادل نیروهای ایدئولوژیک و نیروهای اجتماعی را در این مورد خاص، روشن خواهد کرد.

علاوه براین، مناطق در قابلیت مهیاسازی اشتغال برای هر شخص بالغ، بدون توجه به جنس، با هم تفاوت دارند. یعنی ممکن است، برخی متغیرهای نسجیده‌ای وجود داشته باشد، که بر شرایط کلی اقتصادی مناطق چین اثر می‌گذارد.

به منظور کنترل این تأثیرات، ما نسبت مشارکت نیروی کار مردان را، به عنوان شاخصی از فرصتهای عمومی اشتغال، وارد می‌کنیم. در نهایت، به دلیل احتمال دخالت آثار انواع مختلف تولید صنعتی و کشاورزی در نواحی مختلف چین، با کنترل‌هایی که بر

مناطق اعمال می‌کنیم، به بررسی نقش عوامل قبلی می‌پردازیم. پنج متغیر ساختگی ناحیه‌ای (شمال، شرق، شمال شرقی، جنوب مرکزی و جنوب غربی) این عامل کنترل مناطق را ارائه می‌دهد.

● روش شناسی

منابع اطلاعات

منبع اصلی اطلاعات، برای این پروژه، نمونه یک درسی سرشماری همگانی ۱۹۸۲ چین، که اخیراً انتشار یافته است، می‌باشد. این فلایی‌های داده‌ها، محتوی اطلاعاتی در مورد تقریباً ۱۰ میلیون فرد در ۲ میلیون خانواده منفرد^۲ و ۲۲۵ هزار خانوار جمعی می‌باشد برای جزئیات، آرتسیو آمار چین ۱۹۸۸ را ببینید) خون^۳ در این مقاله، رهیافتی بومی را دنبال می‌کنیم، تصمیمی انتقادی در این بررسی، واحدهای دقیق تحلیلیمان را روشن می‌سازد. در تحقیق، از نیروی کار چینی، ما به جمع‌آوری مشاهدات در سطح فردی، در سطح شهرها و روستاها برداشته‌ایم. گرچه، انتخابها بیشتر در حد خرد جغرافیایی روی واحدهای نمونه همگانی ارائه شده است (مانند شماره خیابان)، ولی مزیت‌های چندی، نسبت به کار در بخشها یا در سطح هم ارز بخش دارد. اولاً، این واحدها به اندازه کافی زیاد هستند تا بتوان تخمینی با ثبات از ویژگیهای جمعیتی درون ناحیه‌ای ارائه داد (مانند نسبت جمعیت ما بین ۲۰ تا ۲۴ ساله است). ثانیاً آنها به اندازه‌ای کوچک هستند که اختلاف درونی آنها به لحاظ ویژگیها، مانند اقامت روستایی در برابر اقامت شهری، به طور معنی‌داری محدود می‌شوند. اگر داده‌ها، در سطح استانی جمع‌آوری می‌شدند، این امر کمتر به واقعیت می‌پیوست، ثالثاً ممکن است، بین این نواحی، و مفهوم بازار کار محلی، به ویژه به لحاظ این واقعیت که تحرک کاری در چین کنونی نسبتاً محدود شده است، تطابق تقریبی وجود داشته باشد.

در ضمیمه الف، اطلاعات مختصری در مورد ۴ نوع از واحدهای هم ارز - بخش ارائه شده است. در ستون ۱، اطلاعاتی در مورد جمعیت کل واحدهای ناحیه (تعداد = ۲۳۷۷) که در تحلیل بعدی ما، مورد استفاده قرار می‌گیرد، ارائه شده است. در ستون ۲ تا ۵، اطلاعات مشابهی در مورد شهرهای بزرگ (تعداد = ۱۰۹)، شهرهای کوچکتر (یعنی شهرهایی که



۱۹۸۲ می‌باشد. ولی برای برخی از متغیرها، مانند: میزانهای مشارکت نیروی کار زنان و مردان، استاندارد کردن با استفاده از «جمعیت با فاصله سنی ۵ سال بر اساس جنس» انجام شد، در صورتی که برای متغیرهای دیگر، مانند آموزش زنان، فاصله سنی ۱۰ سال به کار گرفته شد. در ادامه ما نشان می‌دهیم که هر متغیری خواه ناخواه استاندارد شده و به واسطه استاندارد شدن متغیرها، نظام طبقه بندی سنی منمر ثمر بوده است.

متغیر وابسته مشارکت نیروی کار زنان، چنین تعریف می‌شود: آن تعداد از زنان که ۱۵ تا ۶۴ ساله بوده و پایگاه کاری خود را یا به صورت شاغل: منتظر واگذاری شغل دولتی یا بیکار شهری گزارش می‌کنند، تقسیم بر تعداد کل زنان در همان رده سنی در هر ناحیه.^۷ مشارکت نیروی کار مردان به روش مشابهی تعریف می‌شود. هر دو متغیر با استفاده از فاصله سنی ۵ سال به لحاظ سنی استاندارد شدند.

متغیرهای بومی و صنعتی یا کل جمعیت هر ناحیه، نه فقط با جمعیت زنان، در ارتباط هستند. چگالی جمعیت به صورت لگاریتم طبیعی افراد به هر کیلومتر مربع گرفته شده، با استفاده از جدولی که در اطلس جمعیتی چین ارائه و کدگذاری شده است (اداره

تحت کنترل اداری حوزه‌های اداری هستند، تعداد ۱۳۶)، حوزه‌هایی که تحت کنترل اداری شهرهای بزرگ هستند (مثل بیجینگ،^۳ تعداد ۲۰۲) و حوزه‌های روستایی، تعداد (۱۹۳۰) ارائه داده می‌شود. در آن قسمتهایی از تحلیل بعدی ما که واحدهای شهری و روستایی را به طور مجزا مورد تحلیل قرار می‌دهیم، گروههای ستونهای ۲ و ۳ باهم ترکیب می‌شوند، تا بخش شهری را شکل دهند. در حالی که ستونهای ۴ و ۵ برای شکل دادن بخش روستایی با هم ترکیب می‌شوند.^۴

● متغیرها

چنان که در بالا ذکر شد، هر یک از متغیرهایی که در تحلیل بعدی ما وارد می‌شود، در سطح یکی از ۲۳۷۷ ناحیه بومی مختلف که در سرشماری ۱۹۸۲ شناخته شده است؛ سنجش می‌شود. برای کنترل این واقعیت، که ساختارهای سنی در بین نواحی مختلف چین متفاوت است، از تکنیک استاندارد کردن مستقیم برای بسیاری از متغیرها استفاده شده، تا آنها با هم منطبق شوند (شریوک^۵ و سی‌گل^۶ ۱۹۷۱: ۲۲ - ۴۱۸) در تمامی موارد، جمعیت استاندارد شده‌ای که مورد استفاده قرار گرفته است، جمعیت کل چین در

سرشماری چین ۱۹۸۷)، متغیرهای صنعتی نسبت‌هایی هستند که با استفاده از فاصله سنی ده سال استاندارد می‌شوند. اولی، نسبت کیل نیروی کار بزرگسال شاغل در بخش کشاورزی است. دومی، نسبت کل کارگران غیر کشاورزی‌ای است که در صنایع خدمات مشغولند. درجه سنت‌گرایی در سازمان خانواده با نسبت خانوارهایی که توسط زنان هدایت می‌شوند، اندازه‌گیری می‌شود. این متغیر با استفاده از توزیع سنی زنان در فاصله سنی ۱۰ سال استاندارد می‌شود. میزان باروری عمومی اصلاح شده، تعداد موالید در هر ناحیه، تقسیم بر تعداد زنان بین ۲۰ و ۳۹ سال می‌باشد.

ما چندین متغیر ترکیب اجتماعی را نیز وارد کرده‌ایم. سطح آموزش زنان، به صورت متوسط سالهای سنی به لحاظ استاندارد شده پایان مدرسه، که با ارائه هر یک از ۶ مقوله آموزشی که در سرشماری چین آمده، اندازه‌گیری می‌شود. این فرایند با نقطه میانی مناسب دامنه آن و با حساب کردن میانگینهای وزنی (که در آنها وزنها، نسبت بزرگسالان

● یافته‌ها

در جدول ش ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای به کار رفته در تحلیل‌مان را برای کل کشور به طور کلی (ستون ۱ و ۲)، برای بخش‌هایی روستایی چین (ستون ۳ و ۴) و برای شهرها در چین (ستون ۵ و ۶) ارائه می‌دهیم. مجدداً خاطر نشان می‌سازیم که واحد تحلیل در نواحی روستایی بخش و در مناطق شهری، شهر، بتوان یک کل، می‌باشند. با ارزشترین یافته، در جدول ۱، این است که نواحی تبیین در چین، دارای میزان مشارکت بسیار بالا، ۷۰ درصد بر اساس استاندارد سنی، می‌باشند. به علاوه میزان مشارکت نیروی کار زنان، در مقایسه با آنچه که در دیگر کشورها ملاحظه شده است، تا حدودی در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری (۷۰ درصد در مقابل ۶۸ درصد) است.

تفاوت فاحشی در ویژگیها، بین مناطق شهری و روستایی وجود دارد، که برجسته‌ترین آنها: باروری، ساخت خانواده، آموزش و ترکیب جنسی می‌باشد. باروری که به صورت میزان باروری خام گرفته شده، در

زن استاندارد شده به لحاظ سنی در هر مقوله آموزش، (است) به دست می‌آید. فاصله سنی ده سال، باز هم برای استاندارد کردن، مورد استفاده قرار گرفت. در این تحلیل، نسبت جنسی تعداد کل مردان بین ۱۵ تا ۶۴ ساله تقسیم بر همان تعداد زن می‌شود که با استفاده از توزیع سنی جمعیت زنان و مردان ترکیب شده - که در فاصله سنی ۵ سال مشخص شده‌اند - استاندارد می‌شود. میزان مشارکت نیروی کار مردان در یک ناحیه (که با فاصله سنی ۵ سال استاندارد شده) را نیز داخل کرده‌ایم، که می‌تواند به عنوان شاخص وجود فرصت کاری، به طور کلی در نظر گرفته شود.

در ضمن، پنج متغیر ساختگی برای کنترل اثر شش ناحیه جغرافیایی چین آورده می‌شود. این متغیرها، عبارتند از: (۱) شمال (۲) شرق (۳) شمال شرق (۴) جنوب مرکزی (۵) جنوب غربی^۸ ناحیه کنار گذارده شده، شمال غربی است که، شامل: استانهای شانسی، گان سو،^۹ نینگ زیا^{۱۰} و ایگزینگانگ می‌باشد.^{۱۱}

جدول ۱ - میانگین و انحراف متغیرهایی که در تحلیل بر طبق استقرار شهری - روستایی قرار می‌گیرند

نواحی شهری	نواحی روستایی		کل نواحی		تعداد موارد	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
۰/۶۸۰	۰/۰۸۶	۰/۷۰۲	۰/۱۵۵	۰/۷۰۰	۰/۱۵۰	مشارکت نیروی کار زنان
۶/۶۱۹	۱/۴۵۷	۳/۸۱۹	۱/۵۷۳	۵/۰۰۰	۱/۶۵۲	تراکم شدید (جمعیتی)
				۰/۱۰۱	۰/۳۰۱	حوزه شهر - روستایی (شهر = ۱)
۰/۲۷۵	۰/۱۸۶	۰/۸۱۶	۰/۱۲۲	۰/۷۶۱	۰/۲۰۸	نسبت کارگران کشاورزی
۰/۳۲۲	۰/۱۰۷	۰/۵۱۹	۰/۱۹۰	۰/۵۰۰	۰/۱۹۲	نسبت کارگران غیرکشاورزی در صنایع خدمات
۰/۱۱۳	۰/۰۳۱	۰/۱۷۵	۰/۰۵۹	۰/۱۶۹	۰/۰۶۰	میزان موالید
۰/۳۲۰	۰/۱۲۹	۰/۱۶۵	۰/۰۸۷	۰/۱۸۱	۰/۱۰۳	نسبت خانوارهای زن مدار
۷/۴۶۷	۰/۸۴۴	۵/۲۲۱	۱/۰۶۱	۵/۴۴۷	۱/۲۴۱	متوسط سالهای آموزش
۱/۱۳۵	۰/۱۴۶	۱/۰۷۳	۰/۰۸۸	۱/۰۸۰	۰/۰۹۸	نسبت جنسی
۸/۸۳۳	۰/۰۳۲	۰/۸۷۰	۰/۰۳۵	۰/۸۶۶	۰/۰۳۷	مشارکت نیروی کار مردان
۰/۱۲۶	۰/۳۳۳	۰/۱۵۷	۰/۳۶۴	۰/۱۵۴	۰/۳۶۱	ناحیه شمال
۰/۲۵۲	۰/۴۳۵	۰/۲۱۳	۰/۴۱۰	۰/۲۱۷	۰/۴۱۲	ناحیه شرق
۰/۱۴۳	۰/۳۵۱	۰/۰۷۰	۰/۲۵۵	۰/۰۷۷	۰/۲۶۷	ناحیه شمال شرقی
۰/۲۵۶	۰/۴۳۸	۰/۲۱۱	۰/۴۰۸	۰/۲۱۵	۰/۴۱۱	ناحیه جنوب مرکزی
۰/۱۱۳	۰/۳۱۸	۰/۲۱۰	۰/۴۰۸	۰/۲۰۱	۰/۴۰۱	ناحیه جنوب غربی
۲۳۸		۲۱۲۵		۲۳۶۳		

حومه شهرها بالاتر است (۰/۱۷۵ در برابر ۰/۱۱۳). ساخت خانواده نیز، به طور قابل ملاحظه‌ای در مناطق روستایی و شهری باهم متفاوت است. تعداد نسبی خانوارهای زن مدار در شهرهای متوسط، در مقایسه با بخش روستایی متوسط، دو برابر بیشتر است (۱۶۵.۰ در برابر ۰/۳۲).

سطح آموزش که عموماً در چین کاملاً پایین است، تعجب‌نکنید که در شهرهای چین ۲ سال بالاتر است (۷/۵ در برابر ۵/۲ سال) در نهایت، نسبت جنسی استاندارد شده، به عنوان نتیجه‌ای از مهاجرت اختلافی، در مناطق شهری چین به طور قابل ملاحظه‌ای بالاتر است (۱/۱۳۵ در برابر ۱/۰۷۳).

در جدول ۲، همبستگی بین متغیرهای مستقل و مشارکت نیروی کار زنان، اول برای کل کشور و سپس برای نواحی روستایی و شهری نشان داده می‌شود. (به دلیل تعداد زیاد متغیرهای مورد بحث در این تحلیل، ما ماتریس کامل همبستگی برای مجموعه متغیرهای مستقل را ارائه نداده‌ایم. برای خوانندگانی که علاقمند به ارزیابی این احتمال هستند که نتایج ما متأثر از مشکلات چند خطی بودن است، ما ضمیمه ب ارائه می‌دهیم برای کل کشور، آن نواحی که دارای

کارگران کشاورزی بیشتری هستند (ضریب همبستگی = ۰/۳۱۶) و همچنین مناطقی که دارای کارگران با خدمات بیشتری هستند (ضریب همبستگی = ۰/۲۶۵) از مشارکت نیروی کار بیشتری سود می‌برند. اولی هم برای شهرها، و هم برای روستاها واقعی است. ولی، دومی تنها برای حومه شهرها واقعی است. مناطق روستایی که دارای مردان کمتری هستند (نسبت جنس پایین) از میزان مشارکت زنان بیشتری سود می‌برند. ولی این پدیده، در شهرها حادث نمی‌شود. به طور تعجب‌آمیزی، مناطق روستایی با وجود داشتن باروری بالاتر نیروی کار زنان پالایی نیز، برخوردار هستند، در حالی که میزان باروری در مناطق شهری با میزان مشارکت نیروی کار زنان ارتباطی ندارد. در نهایت، نواحی شهری و حومه شهر (هر دو) به دلیل داشتن خانوارهای زن مدار، از میزان مشارکت بالایی برخوردار هستند. گرچه، روابط بین این دو متغیر در مناطق شهری به طور قابل ملاحظه‌ای قوی‌تر است.

به دلیل این که متغیرهای تیبسی،^{۱۲} حداقل تا اندازه‌ای، به هم مرتبط هستند، بررسی اثر مستقل هر یک از این متغیرها بر میزان مشارکت نیروی کار زنان

مهم می‌نماید. بنابراین، در جدول ۳، ما ضریب و نسبت‌های تی^{۱۱} از سه معادله رگرسیون که در آنها مشارکت زنان به عنوان تابعی از این متغیرهای اقتصادی - اجتماعی تخمین زده می‌شوند، ارائه داده‌ایم. این ضرایب، اول برای گروه ترکیبی مناطق شهری و روستایی (ستون ۱ و ۲) و سپس، به طور جداگانه برای هر دو نواحی (ستون ۲ تا ۶) ارائه شده است.

پارامترهای اولین معادله همبستگی که در جدول ۳ ارائه شده است، به طور منطقی فرضیات توسعه اقتصادی را قویاً تأیید می‌کنند. مناطقی که به لحاظ اسکان متراکم هستند، سطح بالاتری از میزان مشارکت زنان را دارا هستند به طور جالب توجهی، اثر استقرار شهری مثبت و مهم است. یعنی، استقرار شهری، میزان مشارکت زنان را افزایش می‌دهد. ظاهراً اثر استقرار شهری (چنان که قبلاً در جدول ۱ و ۲ مشاهده شد)، به دلیل روابطش با دیگر متغیرها، در آن الگو پوشیده مانده بود. قبل از کنترل این روابط، میزان مشارکت در مناطق شهری، ۲ درصد پایین‌تر بود. ولی وقتی آن متغیرها را وارد می‌کنیم، میزان مشارکت در مناطق شهری، ۱۱ درصد بیشتر می‌شود.

جدول (۲): همبستگی متغیرهای مستقل با مشارکت نیروی کار زنان بر طبق استقرار شهری - روستایی

نواحی شهری (۲ ضریب همبستگی)	نواحی روستایی (۲ ضریب همبستگی)	کل نواحی (۲ ضریب همبستگی)	
۰/۲۷۹ *	۰/۰۲۶	۰/۰۲۳	تراکم شدید (جمعیتی)
۰/۲۵۴ *	۰/۴۹۰ *	۰/۰۴۵ *	حوزه شهر - روستایی (شهر = ۱)
۰/۰۰۶	۰/۲۷۴ *	۰/۳۱۶ *	نسبت کارگران کشاورزی
۰/۰۳۲	۰/۲۵۴ *	۰/۲۶۵ *	نسبت کارگران غیرکشاورزی در صنایع خدمات
۰/۴۷۱ *	۰/۲۸۶ *	۰/۲۴۹ *	میزان مولید
۰/۰۷۰	۰/۳۲۶ *	۰/۲۳۹ *	نسبت خانوارهای زن مدار
۰/۰۶۰	۰/۱۹۵ *	۰/۲۸۷ *	متوسط سالهای آموزش
۰/۳۴۶ *	۰/۳۵۲ *	۰/۱۶۹ *	نسبت جنسی
۰/۲۶۵ *	۰/۲۰۲ *	۰/۳۴۶ *	مشارکت نیروی کار مردان
۰/۱۳۵ *	۰/۰۷۷ *	۰/۲۰۲ *	ناحیه شمال
۰/۳۹۵ *	۰/۵۲۸ *	۰/۰۶۴ *	ناحیه شرق
		۰/۵۱۱ *	ناحیه شمال شرقی

* ضریب همبستگی به طور معنی‌داری از صفر متفاوت است. درجه آزادی > ۰/۵۰

تا اندازه‌های، این امر در مناطقی است که در آنها نسبت بالایی از کل کارگران به کار کشاورزی می‌پردازند. این نواحی دارای سطوح بالایی از مشارکت نیروی کار زنان هستند. این یافته، تا اندازه‌های، انعکاس دهنده این امر است که بالا بردن میزان مشارکت نیروی کار، تلاش سنجیده رژیم سوسیالیست چین برای تولید محصولات غذایی هم توسط زنان و هم مردان است. این امر، چنان که در بالا ذکر شد، با الگوهایی که در جوامع در حال توسعه دیگر یافت می‌شود، منطبق است. سطح پایین مکانیزه کردن در کشاورزی به معنای این است که تقریباً همه شغل‌های کشاورزی توسط افراد بدون مهارت و آموزش خاص، انجام می‌گیرد. در هر موردی، سطح مشارکت زنان در شهرهای چین پایین است، نه به دلیل سبک زندگی شهری، بلکه فقط به این علت است که در آنجا کارگران کشاورزی کمتری وجود دارد.

نتایج معادله اول (که در آن واحدهای روستایی و شهری با هم ترکیب شدند) ثابت می‌کند، که علاوه بر اثرات شهری، مشارکت نیز، تحت تأثیر ساخت

صنعتی و ترکیب جمعیتی و اجتماعی مناطق است. مشارکت، با وجود اشتغال کشاورزی اساساً بیشتر می‌شود و با وجود اشتغال بخش خدمات، تا حدود کمی کاهش می‌یابد. میزان مشارکت، در مناطقی که در آنها نسبت مرد به زن بالاست، کاهش می‌یابد. ساخت خانواده بر اشتغال زنان تأثیر بسزایی دارد. یعنی مشارکت در مناطقی تمایل به بالا بودن دارد که در آن مناطق نسبت زیادی از خانواده‌ها، غیر سنتی (یعنی زن مدار) باشند. نهایتاً این که تا اندازه‌های هم جالب است). باروری اثر مهمی بر میزان مشارکت نیروی کار زنان ندارد.^{۱۵}

به هنگام مقایسه مدل‌های نواحی روستایی (معادله ۲) و شهرها (معادله ۳)، دریافتیم که تفاوت‌های جالب و معنی‌داری وجود دارد. اولاً، زمانی که اشتغال از نوع خدمات در هر دو منطقه ناچیز است، تأثیر مشارکت کشاورزی به طور قابل ملاحظه‌ای در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. ثانیاً، اثر ساخت خانواده و نسبت جنسی در مناطق روستایی قطعی‌تر از مناطق شهری است. ثالثاً، مشارکت نیروی کار زنان به شدت

با سطح آموزش و با مشارکت نیروی کار مردان در ارتباط است. البته، این امر، در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی وجود دارد. ما این را با نقش بزرگتر و بیشتر نیروهای بازار در شهرها مرتبط می‌دانیم و آن را چنان که گفته شد، عرضه و تقاضای نیروی کار تفسیر می‌کنیم.^{۱۶} به عبارتی، سطح آموزش غالباً مقداری از ذخیره نیروی کار و سرمایه انسانی را تأمین می‌کند، در حالی که میزان مشارکت نیروی کار مردان، شاخص منطقه‌ای از سطح تقاضای نیروی کار است. ظاهراً، مشارکت نیروی کار زنان، بیشتر در مناطق روستایی تحت تأثیر ساخت صنعتی و فشارهای جمعیتی و اجتماعی مانند: اشتغال کشاورزی، نسبت جنسی و ساخت خانواده است.^{۱۷}

● نتایج

همان گونه که آندرو (۱۹۸۳) و دیگران نشان دادند، چین چندین دوره متفاوت را طی کرده است که در طی آنها، افزایش میزان اشتغال یا مورد تأکید قرار گرفته یا مورد تأکید قرار نگرفته است. تحلیل عرضی ما تنها

جدول (۳): مدل‌های بومی مشارکت نیروی کار زنان بر طبق استقرار شهری - روستایی

متغیر	روستایی	شهری	تفاوت	نسبت
تراکم شدید (جمعیتی)	۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۸
حوزه شهر - روستایی (شهر = ۱)	۰/۱۰۹	۰/۱۱۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸
نسبت کارگران کشاورزی	۰/۲۲۵	۰/۲۳۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵
نسبت کارگران غیرکشاورزی در صنایع خدمات	۰/۰۴۲	۰/۰۵۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸
میزان مولد	۰/۰۶۵	۰/۰۶۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳
نسبت خانوارهای زن مدار	۰/۱۹۵	۰/۲۳۲	۰/۰۳۷	۰/۰۳۵
متوسط سالهای آموزش	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
نسبت جنسی	۰/۱۷۷	۰/۱۹۱	۰/۰۱۴	۰/۰۱۳
مشارکت نیروی کار مردان	۰/۶۳۸	۰/۶۲۶	۰/۰۱۲	۰/۰۱۱
ناحیه شمال	۰/۰۷۷	۰/۰۷۹	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
ناحیه شرق	۰/۰۱۱	۰/۰۱۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
ناحیه شمالی شرقی	۰/۱۹۵	۰/۲۱۶	۰/۰۲۱	۰/۰۲۰
ناحیه جنوب مرکزی	۰/۰۲۶	۰/۰۳۹	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲
ناحیه جنوب غربی	۰/۰۷۹	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
میانگین	۰/۵۱۸	۰/۵۴۴	۰/۰۲۶	۰/۰۲۴

می‌تواند، قسمتی از این فرایند را پوشش دهد. یافته‌های ما نشان‌دهنده این امر است که اختلاف زیادی در مشارکت نیروی کار زنان در بین روستاها در مناطق روستایی و بین شهرها در سراسر چین وجود دارد. نکته مورد توجه در اینجا، این است که تغییر پذیری میزان مشارکت نیروی کار زنان در بین روستاها و شهرها، به ندرت به واسطه دیگر علل افزایش نسبت زنان کارگر در چین ذکر شده است. این بیان‌کننده این امر است، یا سیاستهای اشتغال زنان به طور متفاوتی در مناطق مختلف چین به کار برده شده است یا این که موانع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی حقیقی نسبت به اشتغال زن، غیر از تفاوت‌های آشکار شهری - روستایی، وجود دارد.

در مقایسه با دیگر ملل، بخصوص ملل در حال توسعه، چین دارای میزان مشارکت نیروی کار زنان بالایی است، در واقع، مشارکت نیروی کار زنان در روستاها، کمی بیشتر از شهرها می‌باشد، این امر در مورد هر روستایی صدق نمی‌کند، ولی وقتی تفاوتها در ترکیب اجتماعی و صنعتی کنترل می‌شوند، میزان مشارکت زنان به طور معنی داری در مناطق شهری بیشتر است.

گذشته از تفاوت‌های شهری - روستایی به نظر می‌رسد مشارکت نیروی کار زنان در چین تحت تأثیر ساخت صنعتی و ترکیب جمعیتی - اجتماعی مناطق باشد. از طرفی، مشارکت احتمالاً در مناطقی بیشتر است که دارای خصوصیت اشتغال کشاورزی می‌باشد.

اثری ندارد. حداقل در سال ۱۹۸۳ چین، به نسبت، بخش خدمات خیلی کوچک‌تری داشت. سیاستهای توسعه اقتصادی چین، به طور عمدی از توسعه گسترده بخش خدمات اجتناب نمود (ویته و یاریش ۱۹۸۴). این ممکن است، یکی از دلایل انحراف و تفاوت چین از الگوهای مشاهده شده، در ملل دیگر باشد. احتمال دارد، که بعد از ۱۹۷۹، اصلاحات اقتصادی، تأثیر عمده‌ای بر توسعه سریع بخش خدمات در چین در طی دهه‌های اخیر و همچنین بر موقعیت زن در این بخش داشته‌است.

همانند ملل دیگر، مشارکت با سطوح آموزشی زنان و با نسبت خانواده‌های زن مدار، در مناطق، تمایل به افزایش دارد. مشارکت با افزایش نسبت جنسی و با کاهش میزان مشارکت نیروی کار مردان کاهش می‌یابد. ولی بر خلاف بسیاری از ملل دیگر، با روی اثری بر میزان مشارکت نیروی کار زنان ندارد. ممکن است این فقدان تأثیر، یافته‌ای باشد که منحصر به مورد چین است و غیر قابل تعمیم به سایر ملل جهان سوم یا حتی به ملل جهان اول باشد. برنامه‌ریزی تنظیم خانواده که حدود ۱۹۷۲، شروع شد و با ظهور سیاست تک فرزندی در ۱۹۷۹ ادامه یافت. تأثیر عمده‌ای بر تمامی خانوارهای چین داشت (بنیستر ۱۹۸۷). یافته قابل توجه این است که، چگونه ارتباط اشتغال - باروری در مناطق روستایی پیوسته خوردد است. در مناطق روستایی حمایت‌های نهادی کمی (مانند مکان‌های تحت نظر دولت برای نگهداری کودکان و شیرخوارگاه) برای کمک به مادران وجود دارد. این نشان‌دهنده این امر است که، زنان روستایی جینی خودشان را به عنوان کارگرانی که دارای نفع‌هایی هستند، تعریف می‌کنند. با وجود این که مشاغل، مشاغل کشاورزی غیر ماهر می‌باشند، این که چگونه انتقال در جهت کسب بر اساس خانواده بعد از

۱۹۷۹ و بالا رفتن باروری از ۱۹۸۴ (لوتو و دیگران ۱۹۹۰) بر این رابطه تأثیر گذاشته، مسأله جالبی است. گرچه یافته‌های اساسی در مناطق شهری و روستایی همانند است، ولی اندازه تأثیر این عوامل تعیین‌کننده، کاملاً متفاوت است. مشارکت در مناطق شهری بیشتر تحت تأثیر سطح آموزش زنان و فرصت اشتغال مردان (همانطوری که با میزان مشارکت نیروی کار مردان نشان داده شد) قرار دارد. این یافته، مخصوصاً عجیب است، زیرا که اکثر اشخاصی که در مناطق شهری مدرسه را ترک می‌کنند (چه مرد و چه زن)، به واسطه یک مکانیزم اداری و نه با کوشش فردی در جهت یافتن شغل که منحصراً اقتصادهای کاپیتالیستی است، به مشاغلی منصوب می‌شوند. در مقابل، مشارکت در مناطق روستایی بیشتر تحت تأثیر اندازه نسبی بخش کشاورزی، نسبت جنسی و نسبت خانواده‌های غیر سنتی است. در واقع، این مدل‌ها، تفاوت‌های شهری - روستایی را آشکار می‌سازد. مدل‌هایی که بیان‌کننده این هستند، که عامل بازار (یعنی عرضه و تقاضای نیروی کار) مهمترین نقش را در اشتغال زن در مناطق شهری جین ایفا می‌کند، در حالی که عوامل جمعیتی - اجتماعی در بخش روستایی عامل مهمتری هستند. البته تحلیل در سطح ناحیه‌ای ما، قادر به مشخص کردن این که چگونه این فرایندهای در سطح خرد کار می‌کنند، نیست. ممکن است مطالعات بعدی نشان دهد که آیا تصمیمات گرفته شده به وسیله دسته‌ها و رهبران تیمهای تولید و (حالا کشاورزان خانوادگی) نسبت به تصمیمات گرفته شده، توسط واحدهای کار غیر زراعی، تأثیر زیاد (آن هم به صورت متفاوت) بر کارگران زن داشته است.

ضمیمه الف:

اندازه جمعیت
در انواع مختلف واحدهای ناحیه‌ای،
جمهوری خلق چین،
سرشماری ۱۹۸۲
(تعداد افراد به هزار نفر)

کل نواحی	شهرهای بزرگ	شهرهای کوچک	حوزه‌های شهری	حوزه‌های روستایی
۲/۳۷۷	۱۰۹	۱۳۶	۲۰۲	۱/۹۳۰
۳۵	۸۱۰	۷۰	۱۳۲	۳۵

- 11 - Qinghai
- 12 - Xinjiang
- 13 - explanatory Variables
- 14 - t - retios

۱۵ - یک مرور کننده این گزارش ممکن است، این سوال را مطرح کند که این نتایج باید به خاطر استفاده از همان وسیله محدود اندازه گیری باروری به دست آمده باشد، به عبارتی دقیق تر، این که تعداد نوزادان (زیر یکسال) ممکن است که آن چنان دخالتی در اختلاف مابین مناطق از نظر کل فعالیتهای زنان در تربیت بچه ها به وجود نیاورد، فعالیتهایی که در طول یکسال پایان نمی پذیرند. در تحلیلی از همین داده ها، که اخیراً انجام گرفته (برت و دیگران ۱۹۸۹)، ما ضرایبی را برای یک متغیر که بیشتر به صورت یکی ساخته شده است ارائه دادیم - یعنی نسبت تعداد بچه های زیر ۵ سال به تعداد زنان بین ۲۰ تا ۳۹ ساله. نتایج حاصلی شده مشابه نتایجی که در اینجا نشان داده شد، بود. به عبارتی در چین اختلافات مابین مناطق از نظر باروری رابطه ای با اختلافات مابین مناطق از نظر مشارکت نیروی کار زنان ندارد.

۱۶ - از مترجم

۱۷ - این امر از مومن این سوال است که تا چه حد سطح یابین مشارکت نیروی کار زنان در مناطق شهری به تفاوتها در ترکیب مناطق شهری و تا چه حدی به تفاوتها در ضرایب دو معادله، در جدول ۳، مربوط می شود. لازم به ذکر است که در مناطق شهری، تعداد کمتری از کارگران به حرفه های کشاورزی اشتغال دارند، همان عاملی که در چین، مشارکت نیروی کار در میان زنان را تشویق می کند. روش معمول در پاسخ دادن به سؤالاتی مانند سؤالات بالا روش تجزیه رگرسیون (جونز و کلی ۱۹۸۴ را ببینید) است. کاربرد این تکنیک در نتایجمان به روشن شدن فرایندهایی که مد نظر است، کمک می کند. بی ثباتی نتایج به میزان وابستگی اندازه نسبی ضرایب میانگین و ضرایب سبب به جمعیتی که به عنوان گروه مرجع گرفته شده است، متکی است. بزرگترین عامل تفاوت و اختلاف همان عامل تعامل است که هشت بار بزرگتر از تفاوت اصلی است.

- 19 - diagnostic
- 20 - Belsey
- 21 - pindyck
- 22 - Rubinfeld

- 2 - domestic household
- 3 - Beijing

۴ - اصطلاح خاص «بخش شهری» ممکن است تا آن حد ما را به اشتباه بیندازد که آن را به عنوان منطقه ای بسناسیم که دارای سبک زندگی شهری است - تا سبک زندگی روستایی. در چین برخی نواحی روستایی در اطراف شهرهای بزرگتر قرار دارند. این نواحی روستایی بیش از آن که تابع قدرتهای اداری مناطق مجاور خود باشند، تحت کنترل اداری حکومت شهر مجاور می باشند. برای این نواحی در جغرافیای سیاسی امریکا معادل دقیقی وجود ندارد. این مناطق سبک روستایی خودشان را از دست نمی دهند - در این نواحی میانگین نسبت شاغلین در بخش کشاورزی ۷۳ درصد است که به ۸۲ درصدی که در مناطق روستایی یافت می شود، نزدیکتر است تا به ۲۳ درصدی که در شهرهای بزرگ یافت می شود.

- 5 - shryock
- 6 - siegel

۷ - در مقایسه با نیروی کار دیگر کشورها. طبقه بندی چینی عده خیلی کمی از افراد را در دسته هایی که با بیکاری مترادف است، شامل می شود. یعنی منتظر واگذاری شغل دولتی یا بیکار شهری. نسبت جمعیت بزرگسال در این دسته بندیها خیلی کمتر از ۵ درصد است. نیاز به گفتن نیست که مشاهده کنندگان غربی و چینی برآورد می کنند که میزانهای واقعی بیکاری و کم کاری در چین خیلی بالاتر از آن حدی است که در سرشماری گزارش می شود (امرسون ۱۹۸۳، تیلور ۱۹۸۸).

۸ - استانهایی که در هر یک از نواحی قرار می گیرند، عبارتند از: شمال - بیجینگ (اداری سینه، د. ۱۰۰) تسانجن (اداری شهرداری)، هه بی، شانکسی، اینز هونگولیا (مغولستان داخلی)، شمال شرقی - لیا آنواینگ، جیلینگ، هی لونگ جیانگ. شرق - شانگهای (شهرداری)، جیانگ سو، زگیانگ، آن هونی، فوجینگ، جیان ایکسی، شاندونگ. جنوب مرکزی - هنان، هوپونی، هونان، گوانگ دونگ، گوانگ اکسی. جنوب غربی - سی جوان، گوئی ژو، یون نان، تی بت.

- 9 - shaanxi
- 10 - Gansu

ضمیمه ب: روش به کار رفته برای تشخیص اثرات احتمالی چند خطی بودن.

نوع داده هایی که در اینجا مورد تحلیل قرار گرفته اند، اساساً دارای همبستگی بالا و قوی بین متغیرهای پیش بینی کننده هستند. این امر باعث می شود تا نتایج همبستگی دچار مشکل چند خطی شدن بشود. برای از بین بردن مشکلات خطی موجود، روش تشخیص^{۱۹} که به وسیله بل سی^{۲۰} و دیگران (۱۹۸۰) ارائه داده شده، را به کار بستیم. این روش در سیستم تحلیل آماری (مؤسسه SAS ۱۹۸۵: ۶۷۲) موجود است. این روش مقایسه «شاخصهای شرطی» ماتریس متغیرهای وابسته با نسبت پراکندگی هر متغیر مستقل که با آن شاخص شرطی مرتبط است را، شامل می شود. مشکلات خطی احتمالاً وقتی وجود دارد که یک عامل مرتبط با یک شاخص شرطی بالا قویاً به واریانس ۲ یا چند متغیر نسبت داده می شود (مؤسسه SAS ۱۹۸۵: ۶۷۲).

بازرسی نتایج کاربرد روش تشخیص برای مدلهایی که در جدول ۳ نشان داده شده، مطالب زیرین را آشکار می سازد: برای همبستگی تمام مناطق تنها دو عامل وجود داشت. البته با این شرط که تعداد، بیشتر از ۳۰ باشد (به جز برای آنها که مشکل تقاطع دارند) و هیچ یک از آنها، قویاً به واریانس ۲ یا چند متغیر نسبت داده نشده بودند. همین امر، برای همبستگی مناطق شهری و روستایی نیز وجود داشت. با وجود این برای احتیاط، ما دوباره هر رگرسیون را آزمایش کردیم. این آزمایش، از طریق کنار گذارن، ۲ متغیری که در ارتباط با عوامل هستند، انجام گرفت، عواملی که تعداد مشروط بیشتر از ۳۰ بودن را دارا بودند. نتایج، بعداً با نتایج حاصل از «مدلهای کامل» مقایسه شد. این مقایسه، با توجه خاصی به هرگونه بی ثباتی که در اشتباهات معیاری ضرایب رگرسیون وجود داشت، انجام گرفت (پندیاک^{۲۱} و رابین فیلد^{۲۲} ۱۹۷۶: صفحه ۶۸ را ببینید). اشتباهات معیاری ضرایب رگرسیون در بین مدل های اصلی و تجدید نظر شده، تشخیص داده شدند و این مدلها، قویاً از دسترسی هر نوع دستاورد خطی جدی دور نگه داشته شدند.

پی نوشتها:

1 - Boserap